

الثقافة الإنسانية:

فرهنگ انسانی :

لا شك أن ظهور الكائن الذي يسمى الإنسان الحديث أو العاقل (الهومو سابينس) مثل طفرة واضحة في التطور الثقافي والحضاري كما تبين سابقاً، ولكن لو نظرنا إلى تاريخ نفس هذا الكائن الهومو سابينس وبالذات إلى المجموعة المهاجرة من أفريقيا فسنجد أيضاً أن هناك معطيات اكتشفت في الآثار تؤشر طفرة ثقافية واضحة في فترة زمنية معينة للهومو سابينس، وقد يصعب علمياً تشخيص بدايتها بدقة لعدم وصول شيء مادي يمكن الاعتماد عليه لتشخيص بداية الطفرة الحضارية بشكل قطعي، أما مؤشرات بداية القرى الزراعية قبل عشرة آلاف عام تقريباً في الشرق الأدنى فلا تمثل البداية بل هي انتشار وتوسع للبداية جعل تشخيصها آثارياً ممكناً لبقاء آثار لها.

بی‌تردید ظهور موجودی که انسان امروزی یا انسان خردمند (هومو ساپین) نامیده می‌شود، همان‌طور که پیشتر بیان گردید، نشان‌دهنده جهشی آشکار در تکامل فرهنگ و تمدن است. با این حال اگر به تاریخ این موجود (هومو ساپین) و بدنبال آن، به تاریخ کوچ‌کردن گروه مهاجر از آفریقا نگاهی بیندازیم، درمی‌یابیم که داده‌های به‌دست‌آمده از آثار اکتشافی، بر جهش فرهنگی آشکاری دلالت دارد که در زمانی مشخص برای هومو ساپینس رخ داده است. علم در تشخیص سرآغاز این جهش با دشواری‌های زیادی روبرو است، زیرا هیچ چیز مادی که با آن بتوان آغاز این جهش فرهنگی را به طور قطعی به اثبات رسانید، به دست نیامده است. پیدایش روستاها و مناطق کشاورزی در حدود ده‌هزار سال پیش در خاور نزدیک، نه‌تنها نشان‌دهنده آغاز این فرآیند نیست بلکه آن زمان مربوط به توسعه و انتشار این فرهنگ است، که تشخیص آن فرهنگ را به کمک این آثار باقیمانده ممکن می‌سازد.

ولكن يمكننا الوصول إلى شيء من الحقيقة - إذا لم نقل الحقيقة كاملة - من خلال دراسة علمية وموضوعية لأقدم ما حفظ ودون، وأقدم حضارة وثقافة دونت تاريخها هي الحضارة السومرية أو الأكادية بالكتابة السومرية والتي من المؤكد أنها تمثل الوارث أو أحد الوراثة الأقرب لحضارة وثقافة المجموعة المهاجرة الأولى حيث إنها استوطنت الوادي المنخفض الذي يقع في الخليج الحالي. ثم إن هذه الحضارة انتقلت بعد الطوفان إلى شمال (الوادي - الخليج) الحالي وكونت في الحدود التي تسمح بالسكن وعلى حدود الأهوار أو البحيرات قرى ما قبل التاريخ السومرية (الأكادية) في بلاد ما بين النهرين (العراق)، ويصل تاريخ بعض ما وصلنا منها إلى آلاف السنين قبل الميلاد، ولكن بما أن حضارة أولئك الأقوام المتقدمين معتمدة على القصب خصوصاً أنهم كانوا يعيشون في وادٍ مليء بالبحيرات فأكد لم يصل منها شيء وإنما وصلتنا حضارتهم المتأخرة أي بحدود الألف الخامس قبل الميلاد، وما هو مسجل ومكتوب منها بعد أن بدأت الكتابة والتدوين يؤشر طفرة حضارية وثقافية بكل معنى الكلمة، ويمكننا القول: إن هذه الطفرة تجلت بعدد كبير من البشر في العراق وبأدوات بحيث لم تتمكن الظروف من طمسها، وأكد أن هذا العدد جاء من أفراد ورثوا هذا المستوى الثقافي الراقى في السلوك الإنساني للأبناء وبالتالي فهي طفرة حضارية تعود إلى آلاف السنين الأخرى التي ربما طمسها الفيضان ودرستها المياه المالحة التي غطت الخليج الحالي.

ما از طریق بررسی علمی و موضوعی قدیمی ترین مورد مدوئی که در تاریخ به یادگار مانده، و با کندوکاو کهن ترین تمدن و فرهنگى که تاریخ آن به ثبت رسیده، می توانیم به بخشی از حقیقت - اگر نگوییم تمام آن - دست یابیم: تمدن سومری یا اکدی که با رسم الخط سومری برای ما باقی مانده است. قطعاً این تمدن، وارث و یا یکی از وارثان نزدیک تمدن و فرهنگ مهاجران اولیه ای است که دره واقع در خلیج کنونی را برای سکونت برگزیدند. سپس این تمدن بعد از وقوع طوفان به شمال (دره - خلیج کنونی) رفت و در

مرزهای قابل سکونت و پیرامون هورها یا دریاچه‌ها، روستاهای ماقبل تاریخ سومریان (اکدی) در بین‌النهرین (عراق) شکل گرفت. تاریخ برخی از آثار آنها که به ما رسیده است، به هزاران سال قبل از میلاد بازمی‌گردد؛ ولی از آنجا که تمدن این پیشینیان بر "نی" استوار بود، به ویژه با توجه به اینکه آنها در دره‌ای آکنده از دریاچه‌های متعدد زندگی می‌کردند، قطعاً چیزی از آنها به ما نرسیده است و ما فقط بخش پایانی تمدن آنها یعنی تقریباً هزاره پنجم قبل از میلاد را به دست آورده‌ایم. پس از آغاز دوران نوشتن و تدوین، آنچه از آنها به صورت ثبت‌شده و مکتوب مانده است، به خوبی گویای جهشی در فرهنگ و تمدن آنها می‌باشد؛ جهش به معنای واقعی کلمه. می‌توانیم بگوییم این جهش در تعداد زیادی از مردم در عراق متجلی گشت؛ آن هم با ادواتی که گذر زمان آنها را از بین نبرده است. قطعاً این افراد از کسانی بودند که این فرهنگ والای سلوک انسانی را برای فرزندان خود به میراث گذاشته‌بودند. بنابراین، این یک جهش فرهنگی با تاریخ چندهزار ساله است که چه بسا سیلاب آن را نابود ساخته و آب‌های شوری که خلیج فارس فعلی را پوشاند، محو و منقرضش کرده‌است.

وأبناء الحضارة السومرية (الأكادية) عندما يتكلمون عن أسلافهم في الرقم الطينية تجدهم يعبرون عنهم بأنهم أكثر رقياً أخلاقياً وثقافياً منهم - هم أنفسهم - وهي ثقافة وحضارة مختلفة تماماً عن ما تقدمها، فنحن لا نتكلم هنا عن مجرد أدوات بل عن نظام اجتماعي وسياسي وأخلاق عليا وبالتالي فهناك قفزة ثقافية وحضارية لا يمكن تفسيرها علمياً وقد سجلت في فترة ما من تاريخها ووصلتنا من شومر أو سومر أو بلاد اكاد وسومر أو جنوب العراق الحالي، وهذه الطفرة الحضارية أوصلت بعض الباحثين مثل زكريا سيتشن إلى أن يفترض أصلاً سماوياً للسومريين (الأكاديين) وأنهم جاءوا من الفضاء الخارجي،

فرزندان تمدن سومری (اکدی) هنگامی که در لوح‌های گلین، از نیاکان خود سخن می‌گویند، از آنها این‌گونه تعبیر می‌کنند که نیاکان‌شان از لحاظ اخلاقی و فرهنگی والاتر و برتر از آنها هستند؛ و ایشان فرهنگ و تمدنی کاملاً متفاوت از پیشینیان دارند. در اینجا ما صرفاً از وسایل و ابزار سخن نمی‌گوییم، بلکه از نظام اجتماعی، سیاسی و اخلاق والا صحبت می‌کنیم. بنابراین ما با یک جهش فرهنگ و تمدن روبرو هستیم که در دوره‌ای از تاریخ به ثبت رسیده و از شومر یا سومر یا سرزمین اکد و سومر یا جنوب عراق فعلی به ما رسیده است. از سوی دیگر شرح و توضیح این فرآیند بر اساس چهارچوب‌های علمی امکان‌پذیر نیست. این جهش تا به آن حد ژرف و تأثیرگذار بوده است که پژوهش‌گرانی همچون زکریا سیچین خاستگاهی آسمانی برای سومریان (اکدی‌ها) فرض گرفته و مدعی شده‌اند آنها از فضای خارجی به زمین آمده‌اند.

«وبوسعنا ان نفترض ان هؤلاء القوم الذين سموا السومريين قد انحدروا من الاقوام التي سكنت (قدمت) العراق في عصور ما قبل التاريخ وهي العصور التي سبقت عصر فجر السلالات وانهم عرفوا باسم خاص وهو اسم السومريين في الازمنة التاريخية نسبة الى الجزء الخاص من العراق الذي تمركزوا فيه وهو القسم الجنوبي الذي سمي باسم شومر او سومر ولعل اقوى ما يجعل هذه الفرضية رأياً قريبا من الواقع أن اسس الحضارة التي سميناها السومرية والتي ازدهرت في عصر فجر السلالات يمكن اقتفاؤها الى الاطوار الحضارية التي سميناها بعصور ما قبل السلالات مما يكون استمرارا حضاريا أي ان اصول الحضارة السومرية نشأت في العراق ويمكن تتبع أسسها واصولها فيه منذ أقدم الازمان فبامكاننا مثلا ان ندعو اهل طور العبيد من السومريين قياسا على ظهور أبرز مقومات الحضارات السومرية فيه كالمعابد والقرى على الرغم من اننا نجهل اللغة التي تكلم بها اهل العبيد»⁽¹⁾.

1. المصدر (طه باقر - مقدمة في تاريخ الحضارات القديمة): ص 89 - 90.

« ما می‌توانیم چنین فرض بگیریم که این عده‌ای که سومری نام نهاده شده‌اند، در اعصار ما قبل تاریخ یعنی دوران‌های پیش از عصر سلسله‌های اولیه، از اقوام ساکن در عراق یا مهاجران به عراق نشأت گرفته‌اند. اینها را در دوره‌های تاریخی به اسم

خاصی که همان سومریان باشد، می‌شناسند؛ و این بر اساس انتساب آنها به بخشی خاص از عراق که در آنجا گرد آمده بودند، یعنی بخش جنوبی که شومر یا سومر نامیده می‌شود صورت می‌پذیرد. شاید محکم‌ترین چیزی که این نظریه را به واقعیت نزدیک می‌گرداند، این باشد که پایه‌های تمدنی را که سومری می‌نامیم و در دوره سلسله‌های اولیه شکوفا گشت، می‌توان به دوره‌های تمدن قبل از سلسله‌های اولیه نسبت دهیم. یعنی اصول و مبانی تمدن سومری در عراق پایه‌گذاری شده است و می‌توان اصول و پایه‌های آن را در کهن‌ترین دوران‌ها مورد بررسی قرار داد. به عنوان مثال می‌توانیم اهالی کوه عبید را به دلیل ظهور آشکارترین پایه‌های تمدن سومری، نظیر معابد و شهرها، از سومریان بدانیم، با آنکه نمی‌دانیم آنها به چه زبانی تکلم می‌کرده‌اند» (1).

1. منبع: طه باقر، مقدمه‌ای بر تاریخ تمدن‌های باستان، ص ۸۹ و ۹۰.

ومن المؤكد أنّ الحضارة المصرية أيضاً تمثل قارئاً ممتازاً لهذه الطفرة الثقافية والحضارية ولكنها متأخرة زماناً عن الحضارة السومرية، وكذلك فبعض البحوث الجينية الأخيرة تثبت أن أصول المصريين وشمال أفريقيا تعود إلى منطقة السومريين القديمة أي جنوب العراق، ولهذا فسأكتفي بالحضارة السومرية أو الاكادية - باعتبارها حضارة الآباء - لإثبات هذه الطفرة الحضارية من خلال المثال السومري (الاکادي).

بی‌تردید تمدن مصر نیز نمونه برجسته دیگری از این جهش فرهنگی و تمدنی به شمار می‌رود؛ ولی از لحاظ زمانی، پس از تمدن سومری ایجاد شده است. برخی پژوهش‌های ژنتیکی جدید ثابت می‌کند که خاستگاه مصریان و ساکنان شمال آفریقا، به منطقه سومریان قدیم یعنی جنوب عراق بازمی‌گردد. بر این اساس من برای اثبات این جهش فرهنگی و به عنوان مثال فقط به تمدن سومری (اکدی) - به عنوان تمدن پدران - بسنده می‌کنم.
